

استقرار حاکمیت ملی هدف جبهه ملی ایران است

بنام خداوند جان و خرد

سازمانهای سیاسی ملی باید با حضور گسترده و فعال در صحنه مبارزات سیاسی، بخشی از بار سنگین جنبش دانشجویی ایران را در مبارزه برای آزادی اندیشه، سخن و قلم و استقرار حاکمیت ملی و مردمسالاری به دوش گیرند

ممکن بکشانند. اگر آقای خاتمی چنانکه چندبار در سخنانشان به اهمیت نقش نیروی جوان و دانشجویان اشاره و تأکید داشتند، به خود جرأت می دادند تا دست کم نشستهای ماهانه ای را با دانشجویان داشته باشند و هر سه ماه در جایگاهی چون ورزشگاه آزادی مسائل و دشواریهای خویش را با مردم و نسل جوان در میان می گذاردند و حمایت آنها را طلب می کردند، بدون شک امروز خود و کشور را با بن بست های موجود مواجه نمی ساختند.

یورش مغول وار به خوابگاه دانشگاه تهران در ۱۸ تیرماه، و سپس حمله به مراسم دانشگاه تبریز که هر دو از ننگین ترین رویدادهای کشور به شمار می روند، وقایعی بود که ریاست جمهوری می بایست با همه توان در مورد آنها پا به میدان می گذاردند و متجاوزان را به مجازات می رسانیدند. ایشان می توانستند از آن رخداد شرم آور برای کشور بهره بجویند و به حق بخواهند تا بر اساس قانونی روشن و بی چون و چرا مسئولیت نیروهای انتظامی بر عهده شخص رئیس جمهور گذارده شود تا بتواند امنیت شهروندان، از جمله دانشجویان را، در سراسر کشور حفظ کند و در صورت کوتاهی در انجام آن مهم، در برابر نمایندگان ملت پاسخگو باشد.

جنبش دانشجویی ایران با وجود برخورد های سرکوبگرانه حاکمیت و توطئه های گوناگون برای در هم شکستن یکپارچگی آن و از جمله ایجاد دودستگی در دفتر تحکیم وحدت و احضارها و بازداشتها و محکومیت ها و به زندان

جریان "تحکیم وحدت" را پدید آوردند؛ به این نیت که همه چیز را در کنترل داشته باشند و از نیروهای دانشجویی در مراسم حکومتی بهره برداری کنند. ولی در عمل رفته رفته این دانشجویان بودند که با توجه به انحصارطلبی های حاکمیت و تلاش آن برای برقراری یک فضای بسته بر دانشگاهها، خود را یافتند و با هوشمندی به موضع گیری پرداختند. آنها با شناختی که از برخوردهای خشن و حذفی حاکمیت داشتند، همه کوشش خود را بکار بردند تا با کمترین هزینه ممکن از خود واکنش نشان دهند.

سرانجام با رویداد دوم خرداد فصل تازه و کم سابقه ای در نقش آفرینی نیروی دانشجویی گشوده شد و جنبش نوین دانشجویی در ایران شکل گرفت. حضور گسترده و پر شور دانشجویان در جریان انتخابات ریاست جمهوری فضای ایران را دگرگون ساخت و شور و نشاط خاصی به جامعه بخشید. همگامی نیروهای گسترده دانش آموزی در آن برهه بر ایجاد مسئله افزود و حاکمیت انحصار طلب خود را با امواج گسترده انسانی مواجه دید که به اعتباری دانشجویان و دانش آموزان موتور این حرکت را تشکیل می دادند. بدون شک اگر در آن زمان آقای خاتمی و اطرافیان نزدیک ایشان هوشمندی به خرج داده بودند و بکار ساماندهی آن نیروی عظیم پرداخته بودند، امروز شرایط جامعه در این وضع قرار نداشت و حرکت اصلاح طلبی در موقعیتی توانا و مسلط قرار گرفته بود. به گونه ای که دیگر انحصار طلبان و تمامیت خواهان را توان و جرأت آن نبود تا اینچنین تاخت و تاز کنند، جامعه را در تنگنا قرار دهند و کشور را به بحرانی ترین شرایط

انقلاب به روشنی قدرت و نقش مؤثر دانشگاهها را در ایجاد تظاهرات گسترده و پر شور دریافته بودند، و می دانستند که به شرط ایجاد فضای آزاداندیشی در دانشگاهها، برای پیشبرد برنامه های خود و قبضه کردن قدرت، با مقاومت شدید این کانون ها در سراسر کشور مواجه خواهند گشت؛ پدیده ای که در عمل آنها را از دستیابی به یک ساختار "توتالیتر" و حکمرانی مطلق یک گروه خاص، و به بیان روشن تر قبضه کردن همه امور در دست روحانیت، محروم خواهد ساخت.

گماشتن گروه های گزینش در تمامی دانشگاهها و مراکز آموزش عالی به آن خاطر بود، با تمامی توان از حضور استادان و هیاتهای علمی آزاد اندیش و صاحب اختیار جلوگیری کنند و با برخورد های امنیتی شدید دیگران را که از هفت خوان گزینش جان بدر برده بودند، و ادار سازند تا کلامی خلاف رأی و نظر آنها بر زبان نرانند و با کنترل های شدید و اعمال فشارهای مختلف، دانشجویان را در جو وحشت و نگرانی مداوم نگه دارند. آنها با این تمهیدها و با بهره جستن از شرایط جنگی حاکم بر کشور، توفیق یافتند تا چند سالی دانشگاهها را به محیطی سرد و بی روح تبدیل کنند و با گماردن شمار فراوانی از عوامل دستچین شده در میان اعضای هیأت علمی، ضمن بالابردن قدرت کنترل خود، توان علمی و قدرت باروری و پویایی دانشگاهها را به کمترین حد خود برسانند. با اینحال، آنان گاه به گاه شاهد تحریک های خاص در دانشگاهها بودند، و برای آنکه بتوانند از حرکت های ناگهانی جلوگیری کنند، دست به کار ساماندهی انجمن های اسلامی شدند و پس از مدتی

فاجعه شانزدهم آذر ۱۳۳۲، در پی رویداد کودتای ۲۸ مرداد، رخداد تلخی در تاریخ مبارزات ملت ایران در برابر سلطه بیگانگان و رژیم دست نشانده و حکومت فردی بشمار می رود. از اینرو است که ۱۶ آذر به نام روز دانشجو خوانده شده و همه ساله دانشجویان می کوشند تا در همه دانشگاهها و مراکز آموزش عالی، با برپایی آئین های ویژه تنفر شدید خود را از اقدام جنایتبار رژیم شاه در یورش به دانشگاه و سرکوب دانشجویان و شکستن حرمت این کانون به دست نیروهای مسلح اعلام دارند.

در پی رویداد بهمن ۱۳۵۷، ملت ایران می پنداشت که با انجام این دگرگونی بنیادین، دیگر هیچگاه حکومت به خود اجازه تجاوز به حریم دانشگاه و سرکوب دانشجویان را نخواهد داد. در نهایت تأسف، در کوتاه ترین زمان ممکن شرایطی پدید آمد که همه دانشگاههای کشور به اراده حاکمان پس از انقلاب برای مدتی طولانی بسته شدند. پس از آنکه سرانجام حاکمیت خود را مجبور به بازگشایی دید، به گونه ای حیرت آور شمار فراوانی از استادان صاحب توان را از دانشگاهها کنار گذاشت، گروههایی از دانشجویان را اخراج کرد و جو ترور و سرکوب را بر دانشگاهها حاکم ساخت. تشنگان قدرت که بر پایه تلاشهای گسترده همین استادان و دانشجویان در طول ماههای پیش از انقلاب، و خطر کردن های فراوان آنان، بر قدرت تکیه زده بودند، به درستی باور داشتند که اگر فضای آزاد در محیط دانشگاهها پرتو افکند، همیشه باین کانونها مشکل خواهند داشت.

آنها در جریان ماههای پر آشوب پیش از

مراسم یادبود سالروز شهادت داریوش و پروانه فروهر در اهواز

روز یکشنبه سوم آذرماه، به همت سازمان پیشگامان آزادی ملت ایران (سپاما) مراسم پرشکوهی بمنظور بزرگداشت یاد و خاطره سرداران بخون خفته نهضت ملی ایران روانشادان داریوش و پروانه فروهر، با سخنرانیهای رامین ناصح، دکتر پرویز ورجاوند، دکتر مجید الهامی، احمد عبدالحسینیان و دکتر علیرضا اقبالی و پیامی از بانو پرستو فروهر در اهواز برگزار گردید.

در این مراسم، پس از صرف افطار و اجرای سرودهای ملی و میهنی، مجری جلسه رئوس برنامه را اعلام کرده و سپس رامین ناصح دبیر سپاما و مسئول سازمان جبهه ملی در خوزستان، سخنان خود را با بیت زیر آغاز کرد:

خونخواری ضحاک در این ملک فزون گشت
کو کاوه که چرمی به سر چوب برآرد؟!*

و در پایان اشاره داشت: نکته دوم اینست که قتل فروهرها ضربه مهلکی بر پیکر ملیون ایران به شمار می رود که هرگز التیام پذیر نیست. ولی جبهه ملی ایران در طول چند دهه فعالیتش نشان داده که هرگز اهل مقابله به مثل و انتقامجویی و خون طلبی نیست و ما، چه امروز که به دلیل اندیشه هایمان مظلوم دستگام حکومت هستیم، و چه در "حاکمیت ملی فردا" هرگز با جریانی که پدید آورنده این وقایع هولناک بوده با زبان خودشان صحبت نمیکنیم. چرا که به فرموده حافظ: "خون به خون شستن محال آمد محال" و به فرموده حضرت عیسی مسیح: "آتش به آتش خاموش نمیشود، ولیکن به آب...!"

سپس دکتر پرویز ورجاوند، عضو هیئت رهنبری و سخنگوی جبهه ملی ایران بصورت تلفنی برای حاضران سخنرانی کردند و ضمن اشاره به اینکه قتلهای زنجیره ای محدود به پنج تن نبوده و جمع پرشماری از روشنفکران و دگراندیشان را دربرمیگرفته است، بیان داشتند:

"سرانجام پنج تن آخرین یعنی شادروانان داریوش و پروانه فروهر، مختاری و پوینده و شریف، نفری بودند که مسئله را به مهم ترین و حساس ترین بحران برای ملت ایران تبدیل ساختند.... وقتی خوب نگاه می کنید، می بینید در طول دو قرن گذشته شما شاهد تبلور یک حرکت فرهنگ ساز توانمند نیستید. ملت ایران بجای اینکه بتواند آفریننده فرهنگ باشد، یا چون گذشته دیرین خودش قدرت این را داشته باشد که در پیچه هایش را بسوی فرهنگ جهانی بگشاید، ولی هیچگاه مقلد نباشد، فرهنگی را بگیرد و در خودش هضم کند و انگ ایرانی بر آن بزند نبوده است.... قدرت فرهنگی در جوامعی میتواند تبلور پیدا بکند که آن جوامع قدرت خلاقیت داشته باشند، بتوانند به آفرینندگی بپردازند، و این آفرینندگی نمیتواند میسر گردد، مگر در یک فضای باز آزادی که انسانهایی که اندیشه میکنند، اندیشه شان را بتوانند طرح کنند، به قلم بیاورند و به نقد کشیده شوند تا جامعه بتواند جنبه های مثبت و منفی هر تفکر و هر نگرش و بینشی را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد. در چنین فضایی است که جامعه می تواند به سوی یک جریان توانمند حرکت کند. با کمال تأثر و تأسف در یویداد سال ۱۳۵۷ که بدنبال خیزش مشروطیت، نهضت ملی ایران و تلاشهایی که در جریان نهضت مقاومت ملی صورت گرفت و تلاشهایی که در قالب جبهه ملی دوم انجام شد و بالاخره تداوم مبارزات نیروهای ملی در ایران به ثمر نشست، روند مطلوبی نداشت زیرا ملت ایران امید داشت که پس از آن رویداد بتواند شرایط بسته و آن ساختار نامطلوبی را که در رژیم گذشته حاکم بود را به کنار زند و فضایی به وجود آورد که در آن جامعه بتواند به پویایی لازم دست پیدا کند. ولی دریغ که کسانی که میخواستند بعنوان تشنگان قدرت همه چیز را در قبضه خودشان در بیاورند، کوشیدند تا فضای بسته و ابرهای تیره های را بر آسمان ایران سایه افکن کنند.

ولی چنانکه در تمامی طول تاریخ ایران شاهد آن بودهایم، ملت ایران هیچگاه در برابر این مسائل از پای درنیامده است. اسطوره کاوه روشنگر این مسئله است که از دیرزمان، اساطیر ایران حکایت از حضور فکر و اندیشه در جامعه می کنند، می بینید که ملت ایران ملتی بوده که حاضر به تن در دادن به سلطه نبوده است، و همیشه در مسیر آزادیخواهی و در مسیر تعیین سرنوشت بدست مردم گام برداشته است. این ویژگی را ملت ایران در این دوران پس از انقلاب نیز همچنان حفظ کرده است. گروههای بسیاری به زندان رفتند، شکنجه ها دیدند، شماری از افراد به ناپودی کشانده شدند، ولی همچنان خواست ملت ایران بر اینکه سرانجام بتواند سرنوشت خودش را بدست خودش تعیین کند و بدست خودش رقم بزند و سرانجام توفیق پیدا کند که حاکمیت ملی را در این نیاخاک اهورایی استقرار بدهد، به خاموش نگراید و از سر عتس کاسته نشد و همچنان تداوم پیدا کرد. خون چهره هایی چون داریوش و پروانه فروهر این نهال را و این کشتزار انسان پرور را بیش از پیش آبیاری کرد و شک نکنیم که در آینده، این ملت ایران است که پیروز خواهد شد و سرانجام آفتاب درخشان آزاد اندیشی و فضای باز و سرفرازی بر فراز سرزمین ایران خواهد درخشید و ملت ایران موفق خواهد شد که بر سرنوشت خودش حامی شود و در تعیین سرنوشت خودش آزادی عمل داشته باشد، همه کسانی که در این سرزمین از هر پست و موقعیت و مقامی هستند، خودشان را فقط بر گزیده ملت بدانند، منتخب ملت بدانند و خدمتگزار ملت بدانند و هیچ فرد و ارگان و نهادی خودش را فراتر از ملت نیابد.

سپس دکتر مجید الهامی مورخ و استاد دانشگاه و از فعالان برجسته ملی در خوزستان، به بیان نکته های چند پیرامون زندگانی و شخصیت فروهرها و همچنین مسائل سیاسی روز پرداخت.

در بخش دیگر مراسم، احمد عبدالحسینیان (عضو ارشد سپاما) به بیان فزاهایی از زندگینامه زنده یاد فروهر پرداخت.

سازمانهای سیاسی ملی باید با حضور گسترده و فعال...

انداختن شماری چشمگیر از دانشجویان، تا به امروز با سرسختی به مبارزه خود در راه آزادی اندیشه، سخن و قلم، رو در رویی با نهادها و ارگانهای نقض کننده حقوق ملت، و زیر پا گذاردگان قانون و لطمه زندگان به حقوق بشر و گروههای فشار، ادامه داده است.

امروز، در حالیکه سازمانهای سیاسی ملی سابقه دار کشور همچنان برای فعالیت علنی، زیر شدیدترین فشارها قرار دارند و سازمانها و حزبهای تازه تأسیس وابسته به مقام های داخل حاکمیت نتوانسته اند با وجود امکانات فراوان به کانون های سیاسی توانمندی تبدیل شوند، همه چشمها به جنبش دانشجویی دوخته شده و جنبش مذکور با تحمل همه فشارها کوشش دارد تا جای خالی حزب ها و سازمانهای فعال سیاسی را در فعالیتهای میدانی پر کند. این بار عظیمی است که بر شانه های جنبش سنگینی می کند. تا شرایطی پیش نیامده که با تحمل هزینه های سنگین تر بر جنبش، آن را از توان بیاندازند، اکثریت را به گوشه گیری و دلمردگی بکشانند و اقلیتی را ناگزیر به جانب حرکت های ناشناخته زیرزمینی و گاه خشونت بار وادار سازند، باید همه بخود آیند. سازمان های وابسته به جناح اصلاح طلب، به مفهوم گسترده واژه، احساس مسئولیت کنند و در قالب گسترش فعالیت های تشکیلاتی، بخشی از آنچه را که جنبش دانشجویی بر دوش می کشد بر عهده بگیرند. نمایندگان اصلاح طلب مجلس جرأت کنند و شرایط لازم را برای فعالیت علنی سازمان های ملی با پیشینه روشن، فراهم سازند تا با حضور مؤثرشان در صحنه و طرح دیدگاهها و برنامه های خود، موجبات تقویت جنبش را از نظر آرمانی و تئوریک برای جلوگیری از هرگونه انحراف احتمالی از مسیر درست منافع ملی سبب ساز گردند.

از یاد نبریم که در شرایط به شدت آشفته کنونی کشور و موضع گیری اکثریت عظیم ملت در برابر گروه کم شمار انحصارطلبان، گروهکهای کوچکی برآند تا نارضایتی های همگانی را در مسیرهای خاص هدایت کنند و با طرح مسائلی چون هویت طلبی های ساختگی و دروغین و قوم گرایی و...، یکپارچگی کشور، همبستگی ملی و استقلال میهن ما را هدف قرار دهند.

این همه در حالی است که با توجه به بحران شدیدی که در منطقه با آن روبرو هستیم، بیم آن می رود تا قدرت های سلطه گر بیگانه بیش از پیش به حمایت از جریان های مشکوک یاد شده بپردازند و منافع ملی را به شدت با خطر مواجه کنند. از اینرو ایجاب می کند تا هر چه سریعتر فشارهای شدید از دوش جنبش دانشجویی برداشته شود و سازمانها و حزب های ملی قادر باشند با حضور گسترده در فعالیت های سیاسی کشور، از شدت فشار بر جنبش بکاهند و موجبات آن را فراهم سازند تا نیروی دانشجویی با شور و نشاط و شناخت همه جانبه و آگاهی فزاینده، مسئولیت سنگین ملی خود را در شرایطی مناسب و با کمترین هزینه پی بجوید.

پیروزی پهلوان پهلوانان، حسین رضازاده را به ملت بزرگ ایران شادباش می گویم

آقای حسن رضازاده، قهرمان جوان و پرتوان ایران و فرزند سرزمین مردپرور اردبیل، در وزن بالای ۱۰۵ کیلوگرم در مسابقات وزنه برداری جهانی لهستان توفیق یافت تا در سه حرکت یک ضرب (۲۱۰ کیلو) و در دو ضرب (۲۶۳ کیلو) بر روی هم برای اولین بار رکورد ۴۷۳ کیلوگرم را در جهان بدست آورد. رکوردی که تا کنون هیچ وزنه برداری بدان دست نیافته بود.

این قهرمان بزرگ در شرایطی به چنین پیروزی دست می یابد که چون شمار دیگری از نامداران و افتخارآفرینان ورزشی ایران، بجز همت والای خود و عشق به سریلندی میهن شان ایران انگیزه دیگری برایشان وجود نداشته و دستگاه عریض و طویل ورزش کشور کاری در خور برایشان انجام نداده است. آنها حتی نتوانستند مربی پیشین وزنه برداری را که عامل مؤثری در موفقیت قهرمانان این رشته بوده است راضی نگهدارند تا ایران را ترک نگوید.

درباره ارزشهای اخلاقی و حس میهن پرستی این ورزشکار بزرگ همین بس که حاضر نشد پیشنهاد ترکیه را که با پولی کلان می خواست ملیت پرافتخار ایرانی او را به ترک تبدیل سازد و او را در اختیار بگیرد، بپذیرد و ایرانی بودن را بر ثروت و امکانات فراوان ترجیح داد.

ما وجود این فرزند قهرمان را به ملت ایران و هموطنان باصفای اردبیلی خود تبریک می گویم.

گزارشی از آن سالگرد فروهرها در تهران

شده بود، شدت بخشیدند و بدون مراعات، زن و مرد و خردو کلان و پیر و جوان را مورد ضرب و شتم شدید و دادن دشنام‌های رکیک قرار دادند. در مواردی نیروی انتظامی سعی داشت که مانع صدمه دیدن افراد گردد و لی هیچ انگیزه‌ای مبنی بر برخورد جدی با گروه او باش مسلح دیده نشد. یک گاز اشک آور نیز به داخل خانقاه پرتاپ گردید که با هوشمندی یک جوان به بالای پشت بام خانقاه پرت گردید و مساله‌ای به وجود نیامد. لازم به تذکر است دکتر حاج قاسمعلی و خانم درودی از کسانی بودند که شدیداً مورد ضرب و شتم قرار گرفتند و پس از مدتی رها شدند.

آقایان دکتر ورجاوند، شاه حسینی، مهندس سحابی و مهندس موحّد نیز از دشنام و هجوم گروه فشار درامان نماندند. آنها حتی قصد حمله به پرستو فروهر را نیز کردند.

از جمله شعارهای حاضران عبارت بود از: درود بر مصدق، سلام بر فروهر - فروهر فروهر راهت ادامه دارد - زندانی سیاسی آزاد باید گردد - این است شعار مردم، رفراندم، رفراندم.

اعلامیه جبهه ملی ایران:

روز بعد از مراسم، جبهه ملی با عنوان: "خشونت و آشوبگری در سالگرد فروهرها را جبهه ملی تقبیح می کند" اعلامیه‌ای انتشار داد که در آن انجام اینگونه تجاوز گریهای وحشیانه را محکوم ساخت و به صاحبان قدرت توجه داد که شرایط بحرانی منطقه تداوم اینگونه برخوردها را بر نمی تابد و می تواند عواقب وخیمی برای کشور در پی داشته باشد.

آقای مظفری از اعضای حزب ملت ایران و از هم میهنان گرد، با اشاره به نقش شادروان فروهر در همبستگی ملی از سویی و بحران‌های هم میهنان گرد از سوی دیگر، ابراز داشت: گرد، ایرانی است و ایرانی خواهد ماند، که با تشویق حاضران مواجه شد.

مهندس نمازی از اعضای برجسته حزب ملت ایران نیز در سخنانی ضمن بیان این که دو نفر از متهمان قتل‌های زنجیره‌ای اکنون در مجلس حضور دارند و از سوی دیگر وکیل شجاع پرونده، دکتر ناصر زرافشان، در زندان است، پیام دکتر زرافشان را خواند و از زندانیان سیاسی یاد کرد. سپس نامه‌ای از نامه‌های زنده‌یاد داریوش فروهر را از زندان برای چهارمین سال تولد پرستو، خواند. در این نامه، اشاره به انسان آرمانگر است که برای راحتی دیگران رنج‌ها را بر خود هموار می سازد. آن گاه پرستو فروهر ضمن بیان فعالیت‌های چهارساله اش برای رسیدگی به این پرونده ملی و نافرجام ماندن آن، تلاش و نبود اراده‌ای در دستگاه قضایی برای کشف حقیقت و این که وزیری که به اعتراف متهمان آمر بوده است تیره می گردد ولی وکیل به زندان گرفتار می آید، اعلام داشت که از طرف خود و آحاد ملت ایران که می تواند تومار شکوایه را امضا کنند، دادخواهی خود را به کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل خواهد برد.

پس از مراسم، وقتی جمعیت بسمت منزل فروهران شهید می رفتند گروه فشار با پوشش امنیتی نیروهای انتظامی و شبه نظامی با باتوم و زنجیر و باتوم برقی حمله‌های خود را که پیش از آغاز مراسم شروع

یکم آذرماه هشتادویک، آیین یادبود چهارمین سالگشت شهادت داریوش و پروانه فروهر در خانقاه صفی علیشاه با حضور شماری از چهره‌های سرشناس ملی چون آقایان ادیب برومند، صدراعظم سیدجوادی، مهندس سحابی، حسن شاه حسینی، مهندس موحّد، دکتر ورجاوند و... برگزار گردید.

ساعتی پیش از آغاز مراسم، حضور چشمگیر قشرها مختلف مردم جلب نظر می کرد. از سوی دیگر، نیروهای انتظامی، امنیتی، ضد شورش و شبه نظامی و همچنین شمار قابل توجهی از افراد گروه فشار در تمام خیابانهای منتهی به خانقاه، مسلح و آماده باش، مستقر بودند. درگیری‌های پراکنده‌ای نیز رخ می داد. گروه فشار به مردم حمله می کردند و آن‌ها را مورد توهین و ضرب و شتم قرار می دادند و نیروی انتظامی، چون همیشه، بیشتر ناظر بود. در آغاز برنامه، دکتر علی حاج قاسمعلی با نگاهی به سیر پرونده و حوادث رخ داده در این چهار سال گزارشی از بحران‌های نافرجام اقتدارگرایان در رویارویی با آزادیخواهان و اندیشمندان و دانشجویان ارائه داد.

سپس مهندس معین فر به عنوان یکی از اعضای کمیته دفاع از حقوق قربانیان قتل‌های زنجیره‌ای، با اشاره به مواضع متعدد و سنگین این پرونده اذعان داشت: پس از چهار سال برای گزارش به ملت ایران چیزی جز شرمندگی ندارم. پس از آن دکتر فریروز رییس دانا از سردرگمی‌های قضایی و این که از آغاز مشخص بود اراده‌ای برای رسیدگی به این پرونده نیست، سخن گفت.

نفت در دنیای امروز محور مسایل عمده‌ی جهانی است

انگلستان و آمریکا می خواهند در بخش دیگری قدرت مانور بیابند که آن می تواند عراق باشد.

این استاد دانشگاه در بخشی از سخنانش در خصوص احتمال خروج عراق از اوپک تأکید کرد: "با توجه به اینکه عراق قدرت مانور چندانی در اوپک ندارد، استقرار قدرت سیاسی نزدیک به آمریکا در آن سرزمین می تواند با عدم حضور عراق در اوپک به آمریکا قدرت مانور بیشتری دهد."

وی با اشاره به هزینه‌ی بالای سرمایه‌گذاری برای اکتشاف، استخراج و نوسازی صنعت نفت عراق اظهار داشت: "در اینجا دو موضوع مطرح می شود اول اینکه آیا آمریکا و انگلستان به تنهایی و یا مجموعه‌ای از قدرت‌های مصرف کننده یعنی شرکت‌های بزرگ نفتی در این زمینه سرمایه‌گذاری خواهند کرد؟ و دیگر اینکه آیا به دنبال انجام این کار و احتمالاً بیرون بردن عراق از اوپک و از بین بردن یکپارچگی اوپک، فشارهایی را بر بخش‌های دیگری از اوپک وارد خواهند کرد یا نه؟ برای پاسخ به این دو پرسش باید دید که ساختار پس از حمله به عراق یا کنار گذاشتن صدام در چه سوی حرکت می کند."

هند و دیگر نقاط جهان حرکت‌های توانمندی در روارویی با استعمار در آفریقا و بخش‌های دیگری از جهان آغاز شد. از زمان پیدایش نفت، عمده‌ترین رویدادهای جهان، حتی نوسان‌های اقتصادی، متأثر از نفت بوده است. حتی شرایط بورس دنیای امروز به مقدار قابل ملاحظه‌ای تأثیرپذیر از نوسانات قیمت نفت است و این نوسانات با موضع‌گیری سیاسی تا مرحله‌ی تنش سیاسی و رودرویی، نظیر حمله عراق به ایران یا حمله‌ی عراق به کویت، پیش می رود.

وی با تأکید بر اینکه هدف انگلستان و آمریکا تسلط بیشتر بر منابع نفت منطقه خاورمیانه است، تصریح کرد: یکی از عمده‌ترین منابع نفتی خاورمیانه در عراق قرار دارد که اگر انگلیس و آمریکا بتوانند در عراق ساختاری هم سو با خود ایجاد کنند، در کنار تأمین منافع خود، بخش ناچیزی از نفت را به کشورهای غربی مانند فرانسه و... اختصاص خواهند داد و از این طریق قدرت مانور خود را بالا خواهند برد.

وی اضافه کرد: "با وجود تفاهم میان ایران و عربستان که منجر به رشد قیمت نفت شده است و سردی نسبی روابط میان کشورهای غربی و عربستان،

دکتر پرویز ورجاوند، سخنگو جبهه ملی ایران، در گفتگو با خبرنگاری ایسنا، گفت: "از زمان پیدایش نفت در جهان، کمتر رویدادی است که نفت در آن نقش نداشته باشد. اکنون نیز نفت به عنوان محور مسایل عمده جهانی مطرح است."

وی با اشاره به چالش میان دنیای غرب و شوروی سابق، اظهار داشت: "علت عمده‌ی آن این بود که شوروی سابق بر منابع قابل ملاحظه‌ای از انرژی تسلط داشت و می بایست که بخشی از این سلطه را از دست می داد تا در اختیار دنیای غرب که غیر از آمریکا و انگلیس، کشورهای دیگر از آن بی بهره هستند، قرار بگیرد."

تحركات دنیای معاصر، جنگ جهانی دوم، حرکت‌های سریع رژیم هیتلر در جهت دست‌یابی هر چه سریع‌تر به منابع انرژی و در نتیجه کسب توانایی چالش با قدرت‌های دیگر بوده است...

بزرگترین حرکتی که مردم خاورزمین در برابر دست‌زدن به قدرت استعمار انجام دادند، پدیده‌ی ملی شدن صنعت نفت در نهضت ملی ایران به رهبری دکتر مصدق و جبهه‌ی ملی بود، و از آن زمان، در مصر،

بازگشت خشونت به عرصه فرهنگ

سالیان درازی بود که چوب و فلک بعنوان نماد تنبیه خشونت آمیز از عرصه فرهنگ کشور رخت بر بسته بود و شیوه‌های جدیدتر بیش بتدریج جایگزین روشهای قدیمی می‌گشت. اما آنچه اکنون مشاهده می‌شود متأسفانه بازگشت خشونت و روشهای خشونت آمیز به عرصه فرهنگ مانز هست. خبرهایی که در هیاهوی تظاهرات دانشجویان دانشگاههای مختلف کشور در اعتراض به حکم اعدام سید هاشم آقاچری گم شد، مؤید این بازگشت غم‌انگیز بود.

در غرب تهران آموزگار دانش آموزی را چنان زیر مشت و لگد می‌گیرد، که مدیر و ناظم دانش آموز بخت برگشته و تنبیه و تحقیر شده را به بیمارستان منتقل می‌کنند و آموزگار نیز با شکایت پدر دانش آموز از طریق کلاتری جلب و بازداشت می‌شود.

در دانشکده معماری دانشگاه ملی (شهید بهشتی)، استادی دانشجویی را که در ماه رمضان سیگار می‌کشید به دفترش می‌کشاند و او را با کمک فرد دیگری مورد ضرب و شتم قرار می‌دهد، بطوریکه این تعرض خشونت آمیز موجب شکستن بینی دانشجوی می‌شود و کار به تحصن کوتاه مدت دانشجویان می‌کشد. البته استاد مزبور ضرب و شتم آشکار را تکذیب کرده و گفته است چون این دانشجو در ماه رمضان سیگار می‌کشیده من او را به دفترم کشاندم و او را نگاه داشتم تا حراست دانشگاه برسد!!

واقعاً به کجا می‌رویم؟ آنهایی که به ظاهر غم‌معیشت مردم را می‌خورند، در مورد سقوط فرهنگی و اخلاقی جامعه چه سخنی دارند و در این باره چه می‌گویند؟

فقر و بیماری

آه از درد فقر و بیماری نیست در دهر آفتی بدتر چه بساکس که زار و بیمار است وای بر بیکنس فقیر که هست نه به درمانسراش جایی هست درد او یست از دوا محروم بر تنش درد می‌رسد آسان یا به کلی نمی‌تواند یافت نیستش قدرت خرید از فقر نه ییابد رعایتی ز پزشکی حصر دارو به دست دزدان است بینوا گر زبی دواپی مُرد دست در دست اقویا دارند هر که با صاحبان قدرت بست خون افراد را به شیشه کند ننگ بر صاحبان قدرت باد

که بشر راست ضربتی کاری! از نیاز و بُروز بیماری! بی نصیب از دوا و بهداری! در مداواش بس گرفتاری! نه کس از وی کند پرستاری! کار او یست ناله و زاری! لیک دارو رسد به دشواری! یا گران بایدش خریداری! چه کند با حریف بازاری؟ نه زدارو فروش و عطاری! که ندانند جز تبه کاری! غم نگرده به روحشان طاری! نیست قانون بر آن کسان جاری! بند و بستش همی کند یاری! چهره‌اش سرخگون ز خوشخواری! گر به دزدان کنند سالاری!

«ادیب برومند»

آثار سوء شایعه یک وابستگی!

از بیش از نیم سده گذشته تا کنون بسیار بوده‌اند، بازرگانان، کاسبان، و در دهه‌های اخیر صاحبان صنعت، که در کنار فعالیتهای سالم تجاری و صنعتی بخاطر اعتقاد به آرمانهای ملی دکتر مصدق و وابستگی به نهضت ملی و جبهه ملی ایران، در جامعه اعتبار مضاعفی یافته‌اند. یکی از این چهره‌های تابناک مبارزات ملی، شادروان حاج حسن شمشیری بود که مغازه مشهور چلوکبابی او در بازار زبازرد خاص و عام بود و وابستگی عمیق او به جبهه ملی ایران اعتبار اجتماعی او را دو چندان ساخته بود.

اکنون، به اعلامیه‌ها و آگهی‌های یک واحد تولید فراورده‌های گوشتی در روزنامه‌های متعدد توجه کنید که شایعه وابستگی خود را به یکی از شخصیت‌های همواره بر سر کار دهه‌های اخیر بشدت تکذیب می‌کند و با اصرار به مخاطبان خود، عموم مردم، می‌گوید که اگر فلان شخصیت سهامدار این کارخانه بود، کسی نمی‌توانست با پلمپ آن، یک واحد تولیدی را به آستانه ورشکستگی بکشاند، ضمن آنکه استفاده از ارز آزاد برای خرید ماشین آلات خود گواه دیگری است که این واحد به هیچ شخصیت سیاسی و حزب و دسته و گروه حکومتی وابسته نیست. این واحد تولیدی برای تأکید بیشتر آگهی خود را با شعار "چو ایران نباشد تن من مباد" آغاز و با همان شعار آنرا ختم می‌کند.

راستی آیا کسی سنجیده است که چرا هواداری از دکتر مصدق و وابستگی به جبهه ملی و سایر جریان‌ها ملی‌گرا در متن جامعه چنان افتخار آمیز بوده و هست و شایعه وابستگی به یک شخصیت همواره در رأس کار حکومتی چنین آثار سوئی برای یک واحد ببار می‌آورد؟

**نشریه پیام جبهه ملی ایران
با کمک‌های مالی شما
هم‌اندیشان و خوانندگان
گرامی اداره می‌شود**

نشریه داخلی

پیام جبهه ملی ایران

با یاد دکتر مهدی آذر

تهران - صندوق پستی: ۱۱۴۹ - ۱۵۸۱۵

E-mail: jebhemelliiran@yahoo.com

پیروزی حزب توسعه و پیشرفت در انتخابات ترکیه

پیروزی گروه‌های سیاسی ملی-مذهبی (نامی که خودشان اعلام می‌کنند) در انتخابات پارلمان ترکیه با ۳۴ درصد آرای رأی دهندگان که می‌تواند بیش از ۶۰ درصد کرسی‌های پارلمان را تصاحب کند و در نتیجه با این اکثریت به روی کار آمدن نخست‌وزیر جدیدی بیانجامد، در ایران بازتاب‌های گوناگونی داشت، جناح اقتدارگرا آنرا پیروزی "اسلام‌گرایان" در ترکیه نامید و بدون اینکه به مقایسه ریش تراشیده و کراوات قرمز رنگ "رجب طیب اردوغان" با ظاهر خودشان بپردازند، آنرا نوعی پیروزی طرز فکر خود قلمداد کردند، غافل از اینکه گروه پیروز در انتخابات ترکیه بیشتر بارها مواضع خودشان را در برابر نوع ارتباط قوانین اسلامی با حکومت اعلام کرده‌اند که با آنچه در ایران می‌گذرد تفاوت کلی و یا شاید نوعی تضاد داشته است. جناح اصلاح طلب هم پیروزی گروه مزبور را پیروزی تفکر خود اعلام کرد، در حالیکه این گروه در برابر جناح لائیک متعصب ترکیه به پیروزی نسبی رسیده و هدفش تعدیل حکومت است نه تعدیل و تفسیر از قوانین مذهبی برای حکومت.

همچنانکه این گروه بر آزادی‌های مذهبی و فردی در جامعه ترکیه و رعایت حقوق بشر در این موارد بیش از گروه لائیک تکیه و تأکید می‌کند. بهر حال همچنانکه در حکومت طالبان در افغانستان رخ داد روابط نزدیکتری را بین ایران و ترکیه در آینده نزدیک نمی‌توان انتظار داشت.